

۲۰۰۰ توپ برای ۶ کیلومتر مربع!



شهید سدرار احمد سوداگر از فرماندهان سپاه پاسداری

پس از عملیات «کربلای ۴» در قراگاه جلسه‌ای برگزار شد که مرحوم هاشمی رفسنجانی هم حضور داشت. ایشان هم در جلسه و هم با افراد به تنهایی صحبت کرد تا جایی که به خاطر دارم آن جلسه سخت‌ترین جلسه فرماندهان بود. تصمیمی سخت باید گرفته می‌شد یا ادامه عملیات یا پذیرش شکست.
ماحصل عملیات کربلای ۴ ایجاد رخنه در خطوط شلمجه بود. اساس امیدواری نیروهای خودی هم در شروع عملیات «کربلای ۵» همان بود. آن جلسه سر ساعت شروع شد. آقای هاشمی گفت در اتاق بسته شود. بعضی از افراد نیامده بودند و ایشان به شدت نگران بود. پس از آن مجددا اجازه حضور داد. در آن جلسه نظرات و مطالب خود را عنوان کردم و گفتم: «ما چند پارامتر و فاکتور داریم که اگر به آنها توجه کنیم نتیجه مطلوبی خواهیم گرفت. عراقی‌ها عمده نیروهای خود را به جنوب ارونند آورده‌اند و در محور عملیات کربلای ۴ مقابل ما موضع گرفته‌اند بعد از هر عملیات عراقی‌ها به فرماندهان شان مرخصی می‌دهند و نیروهای شان هم ۱۵ تا ۲۰ حتی ۴۵ روز به مرخصی می‌روند.» در حقیقت می‌خواستیم عملیات کربلای ۴ را یک عملیات فریب ایدایی قلمداد کنیم. علت بررسی مجدد آن در قراگاه هم این بود که شهدای زیادی داده بودیم حتی بعضی از یگان‌ها دچار مشکل اساسی شده بودند. از آنجا که آمادگی عملیات بعدی را نداشتند، این بررسی‌ها صورت گرفت. اگر بلافاصله در منطقه کربلای ۵ وارد عمل می‌شدیم، تا وقتی که دشمن می‌خواست نیروهایش را فراخوانی کند و از جنوب ارونند به شمال ارونند انتقال دهد زمان زیادی صرف می‌شد و در نتیجه به اهداف خوبی دست پیدا می‌کردیم. از طرفی در عملیات کربلای ۴ به اهداف آن چنانی نرسیدیم که بخواهیم آن را یک عملیات عمده و اساسی تلقی کنیم. به عبارتی، دیگر در سال ۱۳۶۵ موفقیت چندانی نداشتیم و عملیات والفجر ۸ هم تحت تأثیر قرار می‌گرفت.

عملیات کربلای ۵ طرح‌ریزی شد. قرار بر این بود باقی یگان‌ها از سمت ارونند به طرف شلمجه گسیل داده شوند و از حد واسط شلمجه تا بوبیان عملیات انجام شود. مدت آماده‌سازی بسیار کم بود و حداکثر فرصت داده شده حدود ۱۵ روز بود. مرحله اول عملیات خرمشهر تا پاسگاه بوبیان را شامل می‌شد. وقتی عملیات شروع شد ما با مسائل عدیده‌ای درگیر بودیم. ترس داشتیم که مثلا عراقی‌ها عملیات رمضان را تکرار نکنند. دشمن بلافاصله بعد از آن عملیات، آبگرفتگی وسیعی را درست کرد که به آبگرفتگی «بوبیان» و «بوابین» معروف شد. وقتی عملیات شروع شد با حساسیت عجیبی دعا می‌کردیم. دقایقی بعد، وقتی خط دشمن شکسته شد، قراگاه ما مأموریت پیدا کرد حرکت را به سمت شهرک دوعیچی و نهر جاسم و کانال‌های زوجی و مقر قراگاه لشکر ۶ عراق ادامه دهد. از سمت شرق به غرب عملیات خود را شروع کردیم. حرکت واقعا مشکل بود قدم به قدم این منطقه یعنی حدود پنج کیلومتر مربع مسائل و مشکلات بسیاری داشت. تجهیزاتی که عراقی‌ها به کار گرفته بودند زیاد بود. پس از حمله «عدنان خیرا...» مطرح کرده بود که ما ۲۰۰۰ لوله توپ را برای آنجا آماده کرده بودیم. این ۲۰۰۰ لوله توپ برای مساحت ۶ کیلومتر مربع بود؛ علاوه بر آن بمباران شیمیایی هم انجام می‌شد.

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد.

همچنین هیچ عددی در یک سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

			۳		۹				
			۲		۶		۸	۳	
		۹	۶		۵		۴		
			۹						
			۴						۳
					۵				
			۱						
۵	۹		۷	۱		۲	۳		
	۸		۲		۵				
			۴						

					۴				
					۸				
				۵					
۳	۲		۶		۸		۴	۹	
					۹				
					۲				
					۱				
۶	۸		۴		۲		۳	۷	
					۶				
					۴				

با این کتاب‌ها کربلای ۵ را بهتر بشناسیم

شاید یکی از بهترین کتاب‌ها برای شناخت عمیق عملیات کربلای ۵، کتاب «نبرد شرق بصره» باشد که توسط محقق نام‌آشنای عرصه پایداری، محمد درودیان به رشته تحریر درآمده. این کتاب شامل سه فصل است. فصل اول تحت عنوان «طرح‌ریزی در شرایط ویژه» از والفجر ۸ تا کربلای ۴ و فرازهایی از مدیریت در فضای دشوار با ویژگی‌های انقلابی را به نمایش می‌گذارد. «هجوم به مستحکم‌ترین خطوط دفاعی دشمن» عنوان دومین فصل کتاب است که طی آن به شرح اجمالی عملیات باهدف نمایش مدیریت و فرماندهی در صحنه نبرد، آن هم در فضایی مملو از خوف و رجا می‌پردازد. فصل سوم و پایانی این اثر «بازتاب‌ها و دستاوردها» نام گرفته که واکنش رسانه‌های گروهی، مواضع آمریکا و شوروی، جنگ شهرها و شرایط ایران برای پایان جنگ را عرضه می‌کند.

تنبيه متجاوز در کربلای ۵

۲۶ سال پیش در چنین روزهایی روزنهنگای

ایرانی، مردانه در عملیات کربلای ۵

می‌چنگیدند و شهرها پیاپای می‌شدند



۲۴۰ گردان بدون درگیری عقب‌نشینی کردند. ۶۰ گردان عمل‌کننده هم پس از چند ساعت جنگیدن عقب برگشتند. نگه داشتن آن همه نیرو در منطقه نه ممکن بود و نه منطقی. فرماندهان می‌ترسیدند بازار داغ شایعات و بلاتکلیفی، روحیه بچه‌ها را خراب کند. حق هم داشتند؛ نیرویی که برای شرکت در عملیات به جبهه آمده، یا باید بزنند به خط یا برگردد خانه. به همین دلیل گردانندگان جنگ دو گزینه بیشتر نداشتند: از سرگیری عملیات یا اعلام شکست و برگرداندن نیروها به خانه‌های شان. در چنین شرایطی که دشمن هوشیار و آماده دفاع است، خط‌پیری و تصمیم‌گیری برای نبرد مجدد کار ساده‌ای نیست.

آش تبلیغاتی یعنی‌ها

حالا و با شکست کربلای ۴ ایران، یعنی‌ها برای بازیابی روحیه نظامی‌هایشان و برگرداندن آبروی از دست رفته، گوش فلک را با هوجی‌گری و هیاهو کر کرده‌بودند.
صدام جلوی دوربین‌های تلویزیونی پیروزی سربازانش را تبریک گفت و روی سینه فرماندهانش مدال افتخار چسباند.
آش تبلیغاتی یعنی‌ها آن قدر شور شده‌بود که رسانه‌های اروپایی طرفدارشان هم نتوانستند حقیقت را سانسور کنند. روزنامه «دی ولت» آلمان در این باره نوشت: «سر و صدای زیاد عراق مبنی بر کسب پیروزی برای دامن زدن به جنگ روانی است. این‌گونه اعمال برای تقویت روحیه مردم عراق، خود دلیلی بر خسته‌بودن مردم این کشور از جنگ است.»

کودتای تبلیغاتی به‌موقع برای صدام

نشریه صاحب‌نام «تایمز مالی» انگلستان هم مواضع سران عراقی را این‌طور تحلیل کرد: «دبیلم‌ها در بغداد و مقامات واشنگتن این عملیات را کوچک‌تر از آنچه ادعا شده، دانسته‌اند. آنها معتقدند این پیروزی عراق یک کودتای تبلیغاتی به‌موقع برای صدام در پایان سالی که در آن عراق فاو را از دست داده‌بود، به حساب می‌آید».
جنگ روانی تنها اقدام دیکتاتور یعنی بعد از شکست کربلای ۴ نبود. هواپیماهای عراقی هر روز بمب‌های شیمیایی مرگبارشان را می‌ریختند روی تن خسته آبادان و خرمشهر.



طرح و نقشه جدید

در طرف دیگر ماجرا، فرماندهان سپاه خودشان را برای یک عملیات تازه در همان حوالی آماده می‌کردند تا آلان‌بازی به جابه‌جایی گسترده نیرو نباشد و ثانیاً زمان شناسایی منطقه و طراحی و اجرای عملیات به حداقل برسد. زمان مثل برق و باد می‌گذشت. از منظر تبلیغاتی هم ایران سعی داشت تحلیلگران ارتش صدام را به این باور برساند که عملیات وسیع سالانه‌اش با شکست مواجه شده و لشکرها در حال تخلیه منطقه هستند. واقعیت امر هم همین بود اما سازمان رزم ایران سعی داشت شکست و عدم‌الفتح کربلای ۴ را با یک طرح و نقشه جدید جبران کند.

سال سرنوشت

سرانجام پس از تبادل نظر و سبک و سنگین کردن اوضاع، شلمجه به‌عنوان محدوده نبرد بعدی انتخاب شد. هیچ‌کس دلش نمی‌خواست سال ۶۵ را که «سال سرنوشت» نامیده می‌شد، با شکست به پایان برساند اما جنگیدن در شلمجه، مأموریتی خطیر و ناممکن به‌نظر می‌رسید. علی‌شمخانی تصمیمات فرماندهان سپاه را برای آقای هاشمی رفسنجانی تشریح کرد. ایشان هم که از سوی امام(ره) به سمت فرمانده جنگ منصوب شده‌بود، پس از شنیدن توضیحات جانشین فرماندهی سپاه، گفت: «هر لشکری را که تردید ندارد و آماده‌تر است، به کار بگیرد و قاطعانه بروید دنبال کار شلمجه». محسن رضایی بعد از موافقت آقای هاشمی، مقدمات جنگیدن در میدان پیچیده و دشوار شلمجه را با فرماندهانش آغاز کرد. فرمانده لشکرها با وجود مخالفت اولیه با پذیرفتن ضرورت حمله مجدد به دشمن و تکیه بر توان عملیاتی نیروهایشان، تمام‌قد ایستادند پای کار.

سنگرهای عظیم نونی شکل

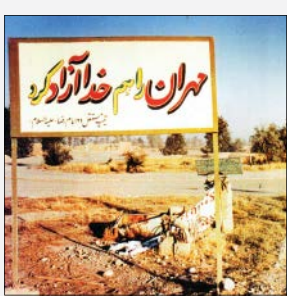
صدام در روزهای نخست جنگ از فتح چند روزه ایران حرف می‌زد ولی بعداً مجبور شد با کمک مستشاری آمریکایی‌ها و حمایت مالی برخی کشورهای عربی، ده‌ها صد دفاعی در منطقه عمومی شلمجه بسازد تا بصره‌اش از سقوط در امان بماند. بغداد تا پناخت سیاسی



خطر برای اعتبار صدام

بعد از شکست و توقف عملیات کربلای ۴ عراقی‌ها بادی به غیغ انداخته‌بودند و با غرور از پیروزی بزرگ‌شان حرف می‌زدند. مقامات نظامی و رسانه‌های وابسته به حزب بعث با درشت‌نمایی و گنده‌گویی برای قوی نشان دادن خودشان، آمار کشته‌شدگان ایرانی را در گفت‌وگوهای مختلف از ۲۰ تا ۹۰ هزار نفر عنوان می‌کردند. تعجبی هم نداشت، چرا که در یک سال منتهی به دی‌ماه ۶۵ ایران در چند جبهه شکست‌های سنگین و سختی را به صدام تحمیل کرد. یعنی‌ها در بهمن ۶۴ از جایی که فکرش را نمی‌کردند، ضربه خوردند. عبور رزمندگان ما از ارونند و فتح شهر فاو، اعتبار صدام در جهان عرب را به مخاطره انداخت. دیدن چنین روزهایی برای او، که با رویای آقایی بر اعراب و لقب سردار قادسیه به ایران حمله کرد، عذاب‌آور و وحشتناک بود.

فاو را به‌دیتا مهران را آزاد کنم!



صدام اواخر اردیبهشت ۶۵ در پاسخ به سقوط فاو، شهر مهران ما را به اشغال خود درآورد. اشغال مهران برای عراقی‌ها هم اعاده حیثیت به حساب می‌آمد و هم یک دستمایه تبلیغاتی قابل اشاره. صدام برای سرپوش گذاشتن روی شکست فاو، پس از اشغال مهران دستور داد در کشورش همه به جشن و پایکوبی بپردازند. بعد هم برای ایران پیام فرستاد که فاو را به‌دیتا مهران را آزاد کنم. البته این دست‌افشانی صدام دوام چندانی نداشت. رزمندگان ایران در تیرماه ۶۵ با اجرای عملیات کربلای یک مهران را از صدام پس‌گرفتند تا دوباره یأس و ناامیدی گریبان نیروهای نظامی عراق را بگیرد. روند ناکامی‌های عراق در شهریورماه با حمله ایران به اسکله‌های نفتی «البرک» و «الامیه» تکمیل شد. نخستین نبرد دریایی نیروهای سپاه پاسداران با نام کربلای ۳ حتی آمریکایی‌ها را هم ترساند که نکند روحیه سربازان یعنی بیش از پیش متزلزل شود.

۱۰ حمله شیمیایی

عراق به شمار می‌رفت و بصره یا پناخت اقتصادی‌اش، بی‌تردید فتح این بندر راهبردی، کفه ترازوی جنگ را به نفع ایران سنگین می‌کرد. آمریکایی‌ها خواست صدام بازنده جنگ باشد، به‌همین دلیل کارشناسان نظامی‌اش را به جنوب‌شرقی عراق فرستاد تا خطوط پدافندی آسیب‌پذیر عراق را تقویت کنند. سنگرهای عظیم نونی شکل نبرد دامیه‌هایی به شعاع ۲۰۰ و ارتفاع شش متر با امکانات استقرار، تانک و نیروی پیاده‌مشهورترین رابنده منطقه به حساب می‌آمد. به این ترتیب تانک‌ها و تیراندازهای یعنی از ارتفاع شش متری با تسلط به‌سست نیروهای مهاجم شلیک می‌کردند. هلالی این سنگرها با هم با سیم خاردار و آب مسدود کرده‌بودند تا امکان نفوذ به داخل شان به صفر برسد.

کانال زوجی، کانال پرورش ماهی و منطقه آبگرفتگی به علاوه نهرهای دوعیچی و جاسم سایر امکانات دفاعی عراق محسوب می‌شدند. بصره آن قدر برای صدام اهمیت داشت که علاوه بر عوارض و موانع یاد شده، سپاه سوم به فرماندهی ژنرال کارکنشته «ماهر عبدالرشید» با ۲۳ تیپ پیاده، سه تیپ زرهی، سه تیپ مکانیزه و یک تیپ کماندویی و سپاه هفتم کشورش به فرماندهی ژنرال کهنه‌کار «هشام فخری» با ۲۰ تیپ پیاده، دو تیپ مکانیزه، دو تیپ زرهی و یک تیپ کماندویی را هم در اطراف آن مستقر کرده‌بود. نیروهای مهندسی صدام در روزهای پس از کربلای ۴ به برخی ضعف‌های دفاعی خودشان در محدوده‌ای به نام پنج‌قلعی بی‌برده و با شتاب مشغول برطرف کردن آن شدند. ارتش عراق در این مدت ۱۰ حمله شیمیایی هم انجام داد که بر اثر آن ۲۴۰ نفر شهید و بیش از ۲۱۲ نفر مصدوم شدند.

رمز یا زهر اسلام...علیها

فرماندهان سپاه نقشه حمله به دژ رویایی صدام در شلمجه را با دقت و حساسیت بالا طراحی کردند ولی تحرک آن همه نیرو در منطقه‌ای محدود، چیزی نبود که از چشم دشمن مخفی بماند. طبق برنامه پایان روز ۱۷دی‌ماه را برای آغاز حمله تعیین کردند که در حین اجرا، عملیات یک روز عقب افتاد. فردای آن روز یعنی پایان ۱۸ دی آتش توپخانه یعنی‌ها و شلیک منورها شدت گرفت اما به‌رحال رزمنده‌های ایرانی در نخستین دقایق بامداد ۱۹ دی‌ماه ۶۵ با رمز یا زهر(ا سلام)...علیها) وارد پیکار بزرگ کربلای ۵ شدند. یعنی‌ها فکرش را هم نمی‌کردند که به این زودی سپاه در مستحکم‌ترین منطقه پدافندی عراق دست به عملیات بزنند.

از سرگیری بمباران شهرها

کار دشوار و طاقت‌فرسا بود ولی آثار یأس و ترس در سیمای هیچ‌یک از رزمنده‌ها دیده‌نی‌شد. پیشروی غافلگیرانه، خلافت‌انه و شجاعانه‌پچه‌های سپاه در کربلای ۵ آن قدر شگفت‌آور و بزرگ بود که ارتش بعث سپاه‌های چهارم و ششم خود را هم به منطقه درگیری فرستاد. درگیری‌ها ۱۳ روز با شدت ادامه یافت. خرد شدن سدهای دفاعی شلمجه، صدام را جواری خشمگین و عصبانی کرد که به تلافی شکست شلمجه، از ۲۱ دی‌ماه یعنی روز سوم عملیات بمباران شهرهای مختلف ایران را از سر گرفت. هرچند کربلای ۵ به اهداف تعیین شده‌اش نرسید اما موفقیت‌های به دست آمده برتری ایران را که با فتح فاو حاصل شده‌بود، تثبیت کرد.

